Original Article Open Access



# Child Rights Journal

**2022; 3(12): 13-23**

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

# A critique of the Right to Free Education of Children and Teenagers in Iran

**Hossein Kiani Ardabili**[1]

1. Department of Private Law, Faculty of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

## ABSTRACT

**Background and Aim:** The fundamental right of every child to education and the obligations of countries regarding achieving this right are considered in the Convention on the Rights of the Child. At the level of primary education, member states are obliged to provide free primary education. Also, according to their constitutions and international covenants, governments have the obligation to provide formal and public education with a desirable and complete quality for the members of the society. This study was conducted with the aim of investigating the right to free education in relevant documents and laws and its status in Iran.

**Method:** The research method is descriptive and data collection was done using the library method.

**Results:** Article 30 and paragraph 3 of Article 3 of the Constitution and Articles 1 and 2 of the Law on Provision of Educational Equipment and Facilities for Iranian Children indicate the importance and being mandatory of education. Fortunately, in the last few years, the Ministry of Education has taken significant steps in the field of primary education, but it is still far from reaching the desired point and developing the right to free and high-quality education.

**Conclusion:** Fulfilling the right to free education requires creating priority, policy making, support, quality improvement and legal supervision and establishing the requirement for everyone to attend necessary educational courses.

**Keywords:** Right; Right Violation; Right to Education; Free Education

**Corresponding Author:** Hossein Kiani Ardabili; **Email:** hosein.kiani.ardabili@gmail.com

**Received:** November 7, 2021; **Accepted:** January 1, 2022

**Please cite this article as:**

Kiani Ardabili H. A critique of the Right to Free Education of Children and Teenagers in Iran. Child Rights Journal. 2022; 3(12): 13-23.

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد

فصلنامه حقوق کودک
دوره سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۲۳-۱۳
Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

انجمن علمی حقوق کودک ایران
انجمن علمی حقوق پزشکی ایران
اندیشکده بین المللی کرامت انسانی

# نقدی بر حق بر آموزش رایگان کودکان و نوجوانان در ایران

حسین کیانی اردبیلی[۱]

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

## چکیده

**زمینه و هدف:** حق اساسی هر کودک برای آموزش و تعهدات کشورها در راستای دستیابی به این حق در کنوانسیون حقوق کودک مورد تأکید قرار گرفته است. در سطح آموزش ابتدایی کشورهای عضو موظف به فراهم‌آوردن آموزش ابتدایی رایگان هستند. همچنین دولت‌ها به موجب قوانین اساسی خود و میثاق‌های جهانی متعهدند که تربیت رسمی و عمومی را با کیفیت مطلوب و کامل برای آحاد جامعه محقق کنند. این مطالعه با هدف بررسی حق بر آموزش رایگان در اسناد و قوانین مربوطه و وضعیت آن در ایران انجام شد.

**روش:** روش تحقیق به صورت توصیفی است و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است.

**یافته‌ها:** اصل سی‌ام و بند سوم اصل سوم قانون اساسی و مواد اول و دوم قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیلی کودکان ایرانی بر اهمیت و اجباری‌بودن آموزش و پرورش حکایت دارند. خوشبختانه در چند سال اخیر وزارت آموزش و پرورش در زمینه آموزش مقطع ابتدایی قدم‌های چشم‌گیری برداشته است لیکن هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب و توسعه حق آموزش رایگان و باکیفیت فاصله است.

**نتیجه‌گیری:** تأمین حق آموزش رایگان مستلزم ایجاد اولویت، سیاستگذاری، پشتیبانی، کیفی‌سازی و نظارت قانونی و بسترسازی الزام همگانی برای حضور در دوره‌های ضروری آموزشی است.

**واژگان کلیدی:** حق؛ نقض حق؛ حق بر آموزش و پرورش؛ آموزش رایگان

**نویسنده مسئول:** حسین کیانی اردبیلی؛ **پست الکترونیک:** hosein.kiani.ardabili@gmail.com

**تاریخ دریافت:** ۱۴۰۰/۰۸/۱۶؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

**خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:**

Kiani Ardabili H. A critique of the Right to Free Education of Children and Teenagers in Iran. Child Rights Journal. 2022; 3(12): 13-23.

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

## مقدمه

حقوق بشر، حقوق ذاتی همه انسان‌ها می‌باشد و کودکان نیز به طور یکسان و بدون تبعیض صاحب این حقوق هستند. حقوق کودک به عنوان بخشی از مباحث حقوق بشر بر حمایت و پشتیبانی از کودکان و دستیابی آنان به حقوق اساسی خویش اهتمام دارد.

امروزه در میان تمامی جوامع، بهره‌گیری از آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی از اهمیت خاصی برخوردار است. علت اصلی این اهمیت را باید در نقشی که آموزش به عنوان ابزاری برای ایجاد یا حفظ وحدت ملی و ارتقای سطح زندگی مردم ایفا می‌کند، جستجو کرد. در دهه‌های اخیر جهان شاهد گسترش سریع آموزش عمومی و عالی در کشورهای مختلف بوده است (۱).

یکی از پدیده‌های مشخص قرن حاضر گرایش عمومی به آموزش و پرورش رسمی و بهره‌گیری از آموزش عالی برای ارتقای سطح معلومات است. این توجه در مرحله اول از دگرگونی نظام طبقاتی جامعه ناشی شده است. در دنیای امروز خانواده به این واقعیت پی برده است که همه امکانات رشد، خاص یک طبقه معین نیست و از طریق مدرسه می‌تواند آنچه را که در گذشته به طبقات ممتاز جامعه تعلق داشت، برای فرزند خویش نیز تأمین کند. در جامعه امروز مهارت و تخصص از وسایل مؤثر تأمین زندگی بهتر و رفاه بیشتر است و برداشت عمومی، این مهم را در تحصیلات رسمی جستجو می‌کند.

امروزه نگرش به آموزش از نگاه حق‌مدارانه ریشه می‌گیرد و در بحث «حقوق ملت» سخن از انسان است، انسانی که حق دارد از اساسی‌ترین لازمه زندگی خویش، یعنی حق بر آموزش و پرورش بهره‌مند گردد.

حق اساسی هر کودک برای آموزش در بند یک ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک مورد تأکید قرار گرفته است و بندهای «الف» تا «د» این ماده شامل تعهدات کشورها در راستای دستیابی به این حق می‌باشد. این ماده تأکید می‌کند که کشورهای عضو کنوانسیون باید به صورت تدریجی و بر پایه فرصت‌های برابر، شرایط دستیابی حق بر آموزش را فراهم سازند. در سطح آموزش ابتدایی کشورهای عضو نه‌تنها موظف به فراهم‌آوردن آموزش ابتدایی رایگان هستند، بلکه باید آن را اجباری سازند (۲). دولت‌ها به موجب قوانین اساسی کشور خود و میثاق‌های جهانی، متعهدند که آموزش و تربیت رسمی و عمومی را با کیفیت مطلوب و کامل برای آحاد جامعه محقق کنند. بنابراین در جوامع امروزی، تربیت رسمی و عمومی با حمایت دولت‌ها و بر مبنای قوانین ویژه‌ای سازماندهی و هدایت می‌شود. سیاستگذاری، پشتیبانی و نظارت قانونی بر این بخش مهم از فرایند تربیت و الزام قانونی همگان (فرزندان آحاد افراد تابع کشور اسلامی ما) نسبت به حضور در این نوع از فرایند تربیتی - آموزشی، سازوکار مناسبی برای ایفای این رسالت است. ویژگی دیگر، حضور الزامی متربیان یا دانش‌آموزان است که به بهره‌مندی آنان در جهت تحقق مطلوب تعالی ایشان یاری می‌رساند (۳).

توجه دولت‌ها به آموزش همگانی و تأکید قانونی جامعه بر وجوب اشتغال به تحصیل گروه واجب‌التعلیم از دیگر شاخص‌های توسعه آموزش است. این‌که دولت باید آموزش و پرورش را به دست گیرد، از خواست‌های همگان بوده و امری بدیهی است، زیرا عدالت و دموکراسی اجتماعی با گسترش آموزش و پرورش پیوند تنگاتنگ دارد. اگر مفهوم دموکراسی و عدالت اجتماعی دربردارنده اندیشه برابری بخت و امکان موفقیت شهروندان در یک جامعه ملی در همه زمینه‌هاست، آموزش و پرورش نخستین عامل گسترش برابری و دموکراسی اجتماعی محسوب می‌شود، چون اگر دولت فرایند توسعه آموزش را به دست نگیرد و اجرا و انجام این کار فقط تحت کنترل بخش خصوصی قرار گیرد، خواه ناخواه ثروتمندان


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

می‌توانند از آموزش بهره گیرند و مستمندان از آن به دور می‌مانند، در نتیجه دیر یا زود اختلاف و ناهماهنگی‌های اجتماعی در سطح جامعه بروز می‌یابد (۴).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی، لزوم بهره‌مندی مردم از آموزش رایگان را در سطوح آموزش عمومی و عالی به صراحت بیان داشته است، اما در جامعه چه در سطح آموزش عمومی و آموزش عالی، به خاطر افزایش رشد جمعیت و محدودیت منابع، امکانات دولتی به اندازه نیازهای جامعه نبوده و این امر موجب بی‌توجهی به حقوق مردم شده است. در تحقیق پیش‌رو الزامات و مبانی حق بر آموزش رایگان و وضعیت تحقق آن در جامعه ایران نقد و بررسی خواهد شد.

## روش

روش تحقیق از حیث چگونگی بررسی موضوع به صورت توصیفی است و از نظر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای انجام شده است.

## یافته‌ها

**۱. تبیین حق و حوزه حق بر آموزش:** واژه «حق» در فرهنگ ادب فارسی به معانی عدیده‌ای چون راست و درست، حقیقت، یقین، عدل، داد، انصاف، نصیب، بهره، مزد، سزاواری، شایستگی، ملک و مال و خدای تعالی آمده است؛ اما این واژه در گفتمان سیاسی، اجتماعی و حقوقی جامعه بار معنایی سنگین‌تر و متنوع‌تری پیدا کرده است. معانی گوناگونی چون اختیار، امتیاز، قدرت و توانایی، منفعت، تصرف و تسلط و مصالحی چون آزادی، سلامت، آبرو و دسترسی به مواهب مادی هر یک به نوعی در خدمت فهم حق است. هر یک از اندیشمندان نیز بنا به مصلحت خویش نظراتی را در فهم ماهیت حق ارائه داده‌اند. «جان استین» حقوقدان انگلیسی (۱۸۵۹-۱۷۹۰ م.) می‌گوید: «دارنده حق کسی است که دیگری به حکم قانون در برابر او ملزم به انجام یا خودداری از عملی باشد.» «جان استوارت میل» (۱۸۷۳-۱۸۰۶ م.) از تعریف فوق ایراد گرفته است و آن را ناقص می‌داند و می‌گوید: «حق همیشه متضمن منفعتی برای صاحب حق است»، یعنی خودداری از عمل و انجام عمل باید به نفع صاحب حق باشد (۵). فقها، حق را از سنخ ملک و درجه‌ای ضعیف‌تر از آن می‌دانند و در این تعبیر نشان اصلی حق، سلطنت و اختیاری است که به شخص داده می‌شود تا در آن تصرف کند.

«هارت» از شناخته‌ترین صاحب‌نظران مکتب پوزیتیوستی سه عنصر اصلی را در مفهوم حق مشخص ساخته است که عبارتند از: ۱ـ وجود یک نظام حقوقی؛ ۲ـ وجود ضمانت اجرایی؛ ۳ـ وجود اختیار برای صاحب حق که اگر بخواهد از آن ضمانت اجرایی استفاده کند و در مقام اجبار طرف به انجام تعهد برآید (۶).

**۲. ماهیت تعهدات دولت در قبال حق بر آموزش:** در تفکیک تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه گفته می‌شود که ماهیت عملکرد متعهد به ماهیت نوع حق برمی‌گردد. اگر نوع حق در حیطه حقوق مدنی و سیاسی باشد، دولت به عنوان متعهد با عدم مداخله غیر موجه زمینه را برای تحقق حقوق عامه فراهم می‌سازد که در این صورت دولت به طور مطلق مکلف به ایفای وظایف خویش است و اجرای تکلیف منوط به پذیرش امری نیست، لیکن در صورتی که نوع حق در زمینه حقوق اقتصادی و اجتماعی باشد، دولت در ایفای تعهد خویش باید در حد امکان عمل نماید. حال باید دید حق بر آموزش رایگان در کدام حیطه از حق‌ها جای می‌گیرد؟


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

حق بر آموزش رایگان از حقوق اقتصادی و اجتماعی بشر است و هر دولتی برای تحقق این حق «در حد امکانات موجود» و یا «در حد قدرت و توان خویش» تعهدش را انجام می‌دهد؛ حتی اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز دولت‌ها را ملزم نموده‌اند تا تعهدات خویش را در قبال توسعه تعلیم و تربیت در حد توان و توسعه و قدرتی که دارند انجام دهند. بنابراین نوع تعهد دولت در قبال حق بر آموزش رایگان تعهد به وسیله است. اگر دولت در حد امکانات خویش این حق مردم را توسعه نبخشد، یقیناً مرتکب نقض تعهد شده است، البته اگر دولتی به دلیل محدودیت‌های مالی و فقدان امکانات لازم نتواند در توسعه این حق نقش ارزنده‌ای ایفا کند مطمئناً نمی‌توان آن دولت را متهم به نقض تعهد نمود (۷).

**۳. حق آموزش از دیدگاه اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اسلام:** توسعه و حمایت از حقوق بشر از اهداف و مقاصد اصلی ادیان توحیدی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر است. حق آموزش رایگان به مثابه حق‌های بنیادین بشر همواره مورد توجه دین اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر بوده است.

**۳-۱. حق آموزش از نگاه اسناد بین‌المللی حقوق بشر:** اسناد حقوق بشر به عنوان ابزاری اساسی برای فهم حقوق بشر، دارای جایگاه خاص میان ملت‌هاست. قید هر حق بشری در این اسناد به منزله تأکید بر الزام رعایت آن است. این اسناد دولت‌ها و ملت‌ها را به رعایت حقوق حقه بشر ملزم می‌نمایند. حق بر آموزش چه در اسناد بین‌المللی و چه در اسناد منطقه‌ای از جایگاه خاصی برخوردار است. پیش از این راجع به اهمیت حق بر آموزش در کنوانسیون حقوق کودک صحبت به میان آمد. در این قسمت، جایگاه حق بر آموزش در دو سند مهم حقوق بشری، یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان خواهد شد.

**۳-۱-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر:** اعلامیه جهانی حقوق بشر در زمینه حق بر آموزش طی بند ۱ ماده ۲۶ مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند.»

آنچه را که این اعلامیه درباره حق بر آموزش تأکید داشته است، حق افراد برای بهره‌مندی از آموزش و پرورش، مجانی‌بودن تعلیمات ابتدایی و اجباری‌بودن آموزش ابتدایی است. همچنین این اعلامیه به نوعی نقش دولت را در توسعه و عمومیت بخشیدن آموزش حرفه‌ای و عالی تبیین می‌کند (۸).

**۳-۱-۲. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی:** علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز حق بر آموزش را جزء حقوق بنیادین بشر می‌داند و دولت باید در زمینه بسط و توسعه آن نقش مهمی را ایفا کند. این میثاق به عنوان تعهدی لازم‌الاجرا حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسد و در بند ۲ ماده ۱۳ خود اعلام می‌دارد: «... کشورهای طرف این میثاق اذعان دارند که به منظور استیفای حق آموزش:

- آموزش و پرورش ابتدایی باید اجباری و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد.
- آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف آن از جمله آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای متوسط باید تعمیم یابد و به کلیه وسایل مقتضی به ویژه به وسیله معمول‌کردن تدریجی آموزش و پروش مجانی در دسترس عموم قرار گیرد.


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

- آموزش و پرورش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی به ویژه معمول‌کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل بر اساس استعداد هر کس در دسترس عموم قرار گیرد.

- آموزش و پرورش پایه باید حتی‌الامکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش بوده یا آن را تکمیل نکرده باشند، تشویق و تشدید بشود.

- توسعه شبکه مدارس در کلیه مدارج باید فعالانه دنبال شود و نیز باید ترتیب کافی اعطای بورس‌ها و هزینه تحصیلی برقرار گردد و شرایط مادی معلمان باید پیوسته بهبود یابد.»

این میثاق در ماده ۱۴ خود متذکر می‌گردد: «هر کشور طرف این میثاق که در زمان امضای آن هنوز نتوانسته است در قلمرو اصلی خود با دیگر سرزمین‌های تحت حاکمیت خود آموزش و پرورش ابتدایی، اجباری و مجانی تأمین نماید متعهد می‌شود ظرف مدت دو سال یک طرح تفصیلی تدابیر لازم برای تحقق‌بخشیدن تدریجی اجرای کامل اصل آموزش و پرورش اجباری مجانی برای عموم در ظرف مدت چند سالی که در خود طرح تصریح بشود تنظیم و تصویب کند» (۸).

بنابراین با توجه به تعهدات پیش‌بینی‌شده برای کشورهای طرف میثاق هر یک از متعاهدین موظف هستند به منظور تأمین رعایت حقوق شناخته‌شده در این میثاق تدابیر و پیشرفت‌هایی را که اتخاذ کرده‌اند، در قالب گزارش تقدیم سازمان ملل متحد نمایند و شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل هر یک از موارد را بررسی نماید و عدم رعایت مقررات مربوط به حقوق بشر را به کمسیون حقوق بشر احاله نماید تا راه تحقق حقوق شناخته‌شده همواره گردد. پس دولت‌های امضاکننده میثاق ملزم هستند که برنامه گسترش آموزش رایگان و مجانی را مطابق مفاد میثاق رعایت نمایند.

**۳-۲. دیدگاه اسلام نسبت به حق بر آموزش:** تعلیم و آموزش، اساس و بنیادی است که قوام و پایداری دین و آیین بر روی آن استوار شده است. تعلیم و انتقال اندوخته‌های علمی به دیگران از مهم‌ترین عبادات، بلکه مؤکدترین واجبات کفایی است و در این زمینه آموزه‌های دینی فراوانی وجود دارد (۹).

خداوند بشر را آفریده و عقل را برای تفکر در او به ودیعه نهاده تا حق و باطل، خیر و شر و زشت و زیبا را از هم تمییز دهد و راه خویش را در زندگی بازیابد و در عین حال از لغزش‌ها و زیان‌های جهل و نادانی و غائله‌های بندگی نسبت به انسان دیگر مصون باشد. این هدف جز از راه پرورش عقل و تعلیم علم میسر نبود، لذا اسلام مقام علم را بس رفیع و ارجمند معرفی کرد.

قرآن کریم زمانی نازل شد که جماعت انسانی متشکل بود از گروهی بی‌سواد که متکی به تعالیم جادوگران و ساحران بودند. اینان غرق در تمایلات نفسانی خویش بسیاری از مسائل حقوق انسانی را مراعات نمی‌کردند. قطعاً چنین جوامعی با هرگونه تغییر و اصلاحی مبارزه می‌کردند. علم‌آموزی را مانع از استمرار تمنیات نفسانی خویش می‌پنداشتند و از هیچ کوششی برای جلوگیری از آگاهی انسان‌ها برای راهیابی از بندگی و بردگی فروگذار نمی‌کردند، اما اسلام از کمترین فرصت برای مبارزه با بیسوادی استفاده کرد (۱۰).

خداوند متعال در اولین سوره‌ای که بر پیامبرش محمد (ص) فرستاد، ارزش و جایگاه علم و آموزش را بیان نمود. پروردگار دانا در توصیف مقام علم و عالم می‌فرماید: «آنکه علم و حکمت نصیب او گشت از خیر و برکت فراوانی برخوردار است.» خداوند هیچ زمانی انسان را بی‌نیاز از آموزش و علم‌آموزی نمی‌بیند و خطاب به انسان می‌فرماید: «دائم بگو پروردگارا بر علم من بیفزا.»


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

بخش عمده‌ای از ادبیات و فرهنگ دینی ما معطوف به علم‌محوری به عنوان یک ارزش قطعی بی‌تخفیف و تعیین‌کننده است. اینکه در قرآن کریم گفته شده است: «ای رسول آیا آنان که اهل دانش‌اند با مردم جاهل یکسانند؟» منحصراً خردمندان عالم متذکر این مطلبند که عالم و جاهل مساوی نیست یا اینکه خداوند می‌فرماید: «ما بر مردمان کتابی فرستادیم که در آن هر چیز را بر اساس دانش تفضیل دادیم برای هدایت آن گروه که ایمان می‌آورند.» بسیاری از آیات دیگر جملگی بیانگر اهمیت علم در اسلام است.

خداوند از کسانی که عالم هستند می‌خواهد که در انتقال دانش خود به دیگران احساس وظیفه و مسئولیت کنند تا وقتی که این انتقال به وسیله دیگران صورت نپذیرد همه علما و دانشمندان باید موضوع تعلیم را به عنوان یک امر واجب و تکلیف الزامی‌تلقی نموده و درصدد ادای این وظیفه خطیر برآیند. همچنین کسانی که از مضمون کتب آسمانی آگاهی دارند مکلفند آن را بی‌آنکه کتمان کنند به دیگران بیاموزند. بنابراین نگاه قرآن به امر آموزش بیانگر این نکته است که قبل از اینکه خود بشر به ارزش و اعتبار علم‌آموزی پی ببرد، خداوند عالم‌ترین عالمان امر تعلیم و تربیت را لازمه تکامل بشر دانسته و مسلمانان را به پیروی از رهنمودهای قرآن مجید و کوشش در جهت کسب علم و دانش دعوت نموده است. همچنین تاریخ گواه گویایی است که علم و فرهنگ و تمدن دنیای کنونی، دست پرورده مسلمانان به ویژه دانشمندان اسلامی ایران و آن هم متأثر از آموزه‌های اسلام و قرآن بوده است.

**۴. توسعه آموزش و تئوری دولت:** توسعه جریانی چندبعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تفکر عامه مردم، ساختار نهادهای ملی، تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن‌کردن فقر است. با اجرای برنامه‌های توسعه می‌توان انتظار داشت که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق یابد. برداشت سنتی از توسعه چنین بوده که: ۱ـ توسعه امری جمعی است؛ ۲ـ توسعه موضوعی دولت محور است (۱۱).

توسعه، مفهومی تک‌بعدی نیست، بلکه چندوجهی است و تحقق یک بعد از آن درگیر تحقق بعد دیگری می‌باشد. به عنوان نمونه محو فقر و ایجاد و رشد عدالت اجتماعی وابسته به وجود یک دولت دادگر و مردمی و داشتن روابط عادلانه با مردم در خصوص توزیع منصفانه، قدرت تصمیم‌گیری، منابع و امکانات و فرصت‌های عمومی و دولتی است.

حق بر آموزش رایگان یکی از عناصر توسعه به شمار می‌رود که دولت‌ها موظف هستند برای تحقق و رشد و گسترش آن دست به اقدامات مثبت بزنند و از این جهت وظایف و هزینه‌های اقتصادی و سازمانی و اجتماعی زیادی بر دولت‌ها تحمیل می‌شود.

**۵. تأمین منابع مالی آموزش و پرورش:** در ایران دولت به امر آموزش و پرورش عمومی اهمیت و اولویت داده است و این امر ناشی از حمایت از جمعیت جوان کشور، برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی، توزیع برابر فرصت‌های آموزشی بین مردم، تلاش در تعمیم ارزش‌های فرهنگی و... است، اما با توجه به رشد جمعیت در دهه‌های اخیر و در آینده، تعداد دانش‌آموزان رشد چشم‌گیری داشته و خواهد داشت، لذا دولت در نحوه تخصیص بودجه و روش‌های تأمین مالی آموزش و پرورش دچار معضل خواهد شد، کما اینکه اخیراً نیز دارای مشکل است. دولت باید در الگوی تخصیص منابع خود تجدید نظر کند و باید متناسب با نیازهای واقعی این بخش منابع


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

لازم و کافی در اختیار آن قرار دهد. در وضعیت کنونی طبق محاسبات انجام‌شده، حدود ۹۰ درصد اعتبارات جاری بخش آموزش و پرورش به حقوق و مزایای پرسنلی اختصاص یافته و فقط ۱۰ درصد به مصارف دیگر از قبیل تعمیرات جزئی، خرید لوازم و تجهیزات، هزینه آب، برق و... تخصیص داده شده است، در حالی که بر اساس معیارهای بین‌المللی این نسبت بایستی ۶۰ الی ۷۰ درصد برای هزینه‌های پرسنلی و ۳۰ الی ۴۰ درصد برای سایر مصارف از قبیل تهیه وسایل آموزشی و کمک آموزشی و حقیقتاً برای تحقق آموزش رایگان باشد. عدم تکافوی درآمدهای دولتی در تأمین هزینه‌های فعلی نشان‌دهنده این است که دولت باید راهکار مناسبی در خصوص تأمین نیازهای مالی آموزش و پرورش به کار گیرد، چه آنکه طبق بررسی‌های انجام‌شده در کشورهای مختلف جهان، هم بخش خصوصی و هم بخش دولتی و هم اینکه اقشار مختلف مردم در تحقق این امر شرکت داشته‌اند.

**۶. آموزش رایگان در قانون اساسی:** اساساً نظم حقوقی و چارچوب هنجاری هر موضوعی در هر جامعه‌ای تحت لوای قانونی اساسی آن کشور متظاهر می‌گردد و بنیان و سمت و سوی سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک کشور به شکل بالقوه در قانون اساسی آن مستتر است. هدف وضع‌کنندگان قانون اساسی، بر مبنای اندیشه، باور و انگیزه آن‌ها می‌تواند ظاهری مشابه، ولی باطنی متفاوت داشته باشد، چه در ظاهر ادعای کلی، رشد و تحول زندگی انسان است. بدین سان قانون اساسی یک کشور به رشد و تکامل انسان مربوط است؛ انسانی که به پیروی از آن قانون زندگی می‌کند (۱۲).

مسأله تعلیم و تربیت در قوانین اساسی کشورها به گونه‌های متفاوت مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در کشور ایران نیز اصل آموزش و پرورش رایگان در اصول قانون اساسی به وضوح بیان گردیده و آنچه از فحوای کلام تدوین‌کنندگان قانون اساسی برمی‌آید، این است که این حق به عنوان حقوق بنیادین بشر مورد تأکید فراوان قرار گرفته است (۱۳).

**۷. نظام حقوقی آموزش و پرورش (عمومی) و آموزش رایگان:** ساختار نظام آموزش عمومی عبارت است از: آموزش پیش‌دبستانی، آموزش ابتدایی، آموزش راهنمایی، آموزش متوسطه که مشتمل بر دوره آموزشی سه ساله بوده و به شاخه نظری، فنی و حرفه‌ای و مهارتی (کار و دانش) و دوره پیش‌دانشگاهی تقسیم می‌گردد. البته در ایران پس از تدوین سند ملی آموزش و پرورش، دوره‌های آموزشی به ۲ بخش ابتدایی و متوسطه تقسیم شد. به هر تقدیر، مسئولیت اداره و نظارت بر امور نظام آموزش عمومی بر عهده وزارت آموزش و پرورش می‌باشد. حال سؤال این است که آیا دولت به عنوان متولی آموزش و پرورش توانایی ارائه آموزش مطابق با استانداردهای جهانی برای تمام لازم‌التعلیمان را در تمام مقاطع تحصیلی دارد؟

با توجه به موضوعات ارائه‌شده توان دولت در این زمینه قابل تردید و تأمل است و طبق قوانین و مقررات کشوری، در دخالت مؤسسات خصوصی (غیر دولتی) جهت سرمایه‌گذاری آموزشی منعی وجود ندارد و چه بسا، شرکت نهادهای غیر دولتی از جانب دولت پشتیبانی و حمایت نیز می‌شود.

در واقع سؤال اساسی این است که اگر حق بر آموزش رایگان از حقوق مسلم ملت است، چرا مراکز آموزشی دولتی به انحای مختلف مردم را ملزم به مشارکت مالی جهت اداره مراکز فوق می‌نمایند؟ در ثانی آیا رشد کیفی و کمی مراکز آموزش غیر دولتی و غیر انتفاعی باید باعث ایجاد شکاف طبقاتی در جامعه گردد و مردم مراکز دولتی را مایه سرافکندگی و مدارس غیر دولتی را مایه مباهات


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

خویش بدانند؟ نقش دولت جهت جلوگیری از اعمال خلاف مقررات در اداره مدارس دولتی چیست؟ دولت چگونه می‌تواند در جهت توسعه آموزش رایگان به اداره مراکز دولتی و غیر دولتی بپردازد؟ در صورتی‌که این مسائل در رأس دغدغه‌های سیاستگذاران و متولیان آموزش کشور قرار گیرد تحولات ساختاری و رفتاری قابل توجهی در بافتار نظام آموزش و پرورش کشور در راستای تأمین حق بر آموزش رایگان کودکان و نوجوانان با کیفیت مطلوب در کنار استقبال از ظرفیت‌های بخش خصوصی و آحاد مردم در خصوص کمک‌های کاملاً داوطلبانه مادی و معنوی، ایجاد خواهد گردید.

## بحث و نتیجه‌گیری

یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که جهان امروز با آن مواجه است، افزایش تعداد افرادی است که به طور مؤثری از شرکت در مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه محروم می‌شوند. در جوامع کنونی، چالش‌های مختلفی در نتیجه تحقق توسعه آموزش وجود دارد و گسترش رشد سیاسی، تفاوت‌های فرهنگی، توسعه دموکراسی و گرایش‌های گوناگون فردی قابل مشاهده است. آموزش از نظر تبدیل گوناگونی‌های موجود به یک عامل ساختاری مشترک درک متقابل در میان افراد و گروه‌ها، وظیفه سنگینی به عهده دارد.

کمیسیون بین‌المللی آموزش قرن بیست و یکم خاطرنشان می‌سازد که سیاست‌های آموزشی باید طوری طراحی گردد که خود عامل دیگری برای محدودیت فراگیری و تبعیض اجتماعی نباشد. سیاست آموزشی در نظام جمهوری اسلامی ایران، به طور واضح و شفاف در اصل سوم، سی‌ام و چهل و سوم قانون اساسی بیان شده است. در این میان، اساسی‌ترین موضوع در تبیین سیاست‌های آموزشی، بحث «آموزش رایگان» است.

اصل رایگان‌بودن آموزش به معنای آن است که دولت موظف است، امکان تحصیل رایگان را برای هر یک از شهروندان فراهم آورد و نه به این معنا که دولت باید همه ـ حتی کسانی را که حاضر به پرداخت شهریه هستند ـ را تحت پوشش آموزش رایگان قرار دهد.

تمامی مطالعات و تحقیقات در زمینه پوشش آموزشی، بر نقش اساسی عامل اقتصادی در رشد پوشش آموزشی تأکید دارند. به این اعتبار می‌توان گفت که رایگان‌بودن آموزش به طور حتم یکی از عوامل اساسی در پیشرفت و توسعه آموزش در کشور است.

به نظر می‌رسد دولت با تصویب قانون تأسیس مدارس غیر انتفاعی در دوره آموزش رسمی عمومی و ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی، مراکز غیر دولتی ـ غیر انتفاعی و... محدودیت‌هایش را در قبول این مسئولیت سنگین مالی، یعنی تقبل هزینه‌های آموزش عمومی و عالی، پذیرفته است.

آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی امروز در ایران هزینه بالایی را بر خانوارها تحمیل می‌کند و اگر دولت برنامه‌ها و راهکارهای خاصی برای حل این معضل به کار نبندد، بدون تردید شاهد ترک تحصیل در دوره‌های آموزش عمومی و عالی خواهیم بود. طی تحقیقی که در سال ۱۳۷۷ در تهران و چند شهر دیگر ایران صورت گرفت، حدود ۹ درصد خانوارها در شهر تهران علت ترک تحصیل فرزندانشان را بالابودن هزینه تحصیل عنوان کردند. یقیناً این آمار با افزایش میزان هزینه خانوارها به خصوص اضافه‌شدن بحث شهریه در مدارس دولتی رشد بیشتری پیدا خواهد کرد. بالارفتن هزینه زندگی مستقیماً و به میزان بالایی عامل اساسی ترک تحصیل در ایران است و هرچه مناطق محروم‌تر باشند و یا آنکه امکان ایجاد درآمد توسط فرزندان محصل وجود داشته باشد،


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

گرایش والدین به توجیه ترک تحصیل به واسطه بالابودن هزینه بیشتر خواهد بود.

موضوع برابری افراد در برخورداری از امکانات و سرمایه‌های جامعه، شاخصی از فرایند تولید توسعه آموزش رایگان است. در اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی از تساوی حقوق و برابری مردم ایران در تمام شؤون اجتماعی سخن رفته است. به موجب اصل بیستم: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» بنابراین اساس توسعه این است که جامعه باید پذیرای برابری شود و به علاوه نهادهای متناسب برای تحقق آن را دارا باشد، یعنی اندیشه تنها هم کافی نیست. بنابراین باید بر اساس یک برنامه راهبردی و اولویت قراردادن حق بر آموزش رایگان، الزامی و باکیفیت و در عین حال بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی و افراد خیر و مشتاق به نظام آموزش و پرورش جامعه، به سطح مطلوبی از ایفای تعهدات دولت و تأمین حقوق کودکان و نوجوانان در این حیطه دست یابیم.

## ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی، شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را اعلام نکرده است.

## تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.


[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]

## References

1. Sheikhzadeh M, Rezazadeh B, Researching the methods of providing and attracting financial aid in education. Research Council of the General Department of Education of Azerbaijan Province; 2001-2002. p. 19.

2. Rasakh M. Right and expediency. First edition, Tehran: New Design Publications; 2002. p. 117.

3. Zahedi Asl M. Basics of social welfare. First edition, Tehran: Allameh Tabatabai University Press; 2002. p. 91.

4. Bashirieh H. Teaching political knowledge. Tehran: Negahe Moaser Institute; 2003. p. 84.

5. Movahed, MA. In the air of Truth and Justice. Tehran: Karname Publishing; 2002.

6. Akbari A, Fallahian M, Bahadori Jahromi A. A reflection on the duties of the Islamic government and the foundations of human rights on the right to social security. Social Security Quarterly. 2021; 16(3): 73-74.

7. Azimi H. The role of education in development. Tehran: Research Institute of Education and Training; 2003. p. 41.

8. Rogers DC, Rachlin HS. Economics of Education. translated by Hosseinyoun A. Mashhad: Astan Quds Razavi Cultural Vice-Chancellor; 1991. p. 109.

9. Motahari, M. Education in Islam. Tehran: Sadra Publishing Institute; 2003.

10. Hojjati SMB. Islam and education. Islamic culture publishing; 1984. p. 65.

11. Hatan N. Clarifying a framework of human rights for sustainable and just development. Translated by Zarei MH. Journal of Public Administration. 1995; 4: 57-62.

12. Chatrchi N. Higher education and the Constitution. Collection of Articles for the First Higher Education Seminar in Iran, Tehran: Allameh Tabatabai University; 1997. p. 210.

13. Aghaei. B. The culture of human rights. First edition, Tehran: Ganje Danesh Publications; 1997. P. 39.

[ Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-11 ]


این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.